



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ - ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۷۱۲ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

از حاشیه تا متن
تقی دژاکام

از دست بعضی‌ها...

صفحه ۲

یادداشت سیاسی
مصطفی قربانی

تاب‌آوری ایران تا کجاست

صفحه ۲

یادداشت ورزشی
شیوا نوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

ذوق زدگی
از نتایج ناگو یا ممنوع!

صفحه ۹

تنگه هرمز جز با تحقق شروط ایران باز نمی‌شود

■ رئیس مجلس: ما بر اساس راهبرد اقتدار و عقلانیت، نه هیجان زده می‌شویم، و نه مرعوب؛ هم می‌جنگیم و هم مذاکره می‌کنیم؛ هم با تمام توان در میدان نبرد نظامی حضور داریم و اورا با شگفتی‌های جدید مواجه خواهیم کرد، و هم از ابزار دیپلماسی و برای تثبیت برتری خود در میدان نظامی و تحمیل حقوق ملت ایران، استفاده می‌کنیم | **صفحه ۲**

ایران صدر نشین رباتیک دانش آموزی آسیا

● مسابقات جهانی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ مسابقات رباتیک آسیا-اقیانوسیه ۲۰۲۶ به میزبانی مالزی، برای تیم دانش آموزی ایران با یک دستاورد بزرگ به پایان رسید، جایی که نمایندگان کشورمان با کسب عناوین نخست، دوم و سوم در بخش‌های گروهی ساخت ربات در لیگ Prototype Challenge، قهرمانی بخش تیمی این رقابت‌ها را از آن خود کردند. تیم رباتیک دانش‌آموزی ایران در بخش اصلی این رقابت‌ها، یعنی لیگ پروتوتایپ چلنج، توانست با عبور از سد رقبایی قدرتمند جایگاه نخست را به دست آورد | **صفحه ۳**

هنگام بحران و جنگ زیستی ۸ حلقه در دفاع از جان مردم فعال می‌شود

● محمدزاهدیلو

■ کالبدشکافی ساختار، یافتن زیستی و ناگفته‌هایی از نوغ و ابعاد علمی شهید دکتر کریمی در گفت‌وگو با دکتر محمد کریمی‌نیا، معاون قسارگاه پدافند زیستی کشور | **صفحه ۸**

ارزپاشی بانک مرکزی اعتراض مجلس را برانگیخت

● بهنام قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ تخصیص ارز با کارت ملی، برای کاهش التهاب بازار و توقف افزایش نرخ، یکی از نخبه‌ماترین و دمدمی‌ترین روش‌هایی است که در همه دولت‌ها از سوسی بانک مرکزی اتخاذ می‌شود و در کوتاه‌مدت نقش مسکن را ایفا می‌کند، اما اینترفند در شرایط محاصره اقتصادی و جنگی که کشور با محدودیت‌های تأمین ارز مواجه است، غیرقابل باور است، به‌ویژه آنکه با تصمیم رئیس کل بانک مرکزی مبلغ ۲ میلیارد دلار تا سقف خرید ۱۰ هزار دلار برای فروش به مردم تخصیص داده شده است | **صفحه ۴**

سختگوی وزارت خارجه: فعلاً عضو معاهده هستیم اما تصمیم با نهادهای ذی صلاح کشور است

نخبگان خروج از NPT رامی‌خواهند

| صفحه ۱۱ |

آشوب بین‌نسلی «مشق» در فرانسه و انگلیس

چه خبر است در مدارس انگلیس فرانسه و ایران؟!

■ غلامرضا صادقیان | سردبیر

دانش‌آموزان سراسر فرانسه از کمبود منابع و نابرابری فرصت‌ها شلوغی کلاس‌ها و فرسوده‌بودن مدارس آشوب کرده‌اند. در انگلستان معلمان و مدیران از فشار نظام ارزیابی و ضرورت توجه به تفاوت‌های اجتماعی مدارس هشدار می‌دهند. این‌ها را می‌توان آشوب «مشق» نامید، مشق هم در معنای تکلیف درسی و هم در معنای سختی روزگار که نسل جدید زیر بار آن نمی‌رود | صفحه ۳ | ● مهسا کرپندی | خبرنگار گروه اجتماعی



آن قرار دارد، عادلانه ارزیابی کرد؟ اگر مدرسه‌ای در منطقه‌ای مرفه، با والدین تحصیلکرده، امکانات فراوان، کلاس‌های کم‌جمعیت و دانش‌آموزانی با سرمایه‌ی فرهنگی بالا، همان معیارهایی را داشته باشد که مدرسه‌ای در منطقه‌ی محروم دارد، آیا مقایسه آنها واقعاً مقایسه‌ی دو مدرسه است یا مقایسه‌ی دو نقطه‌ی متفاوت در یک میدان نابرابر؟

جان دیویی فیلسوف پراگماتیست یک قرن پیش هشدار داد آموزش را نمی‌توان از تجربه‌ی واقعی زندگی جدا کرد. از نظر او مدرسه را نباید محل انتقال اطلاعات از ذهن بزرگسال به ذهن کودک کرد. مدرسه خود نوعی زندگی اجتماعی است. یادگیری هنگامی زنده می‌شود که دانش‌آموز در

فعالیت، تجربه، مسئله و همکاری مشارکت کند. بله، کودک و نوجوان برای رشد به نظم، تمرین، تکرار، محدودیت و حتی تحمل دشواری نیاز دارند. یادگیری ریاضیات بدون تمرین ممکن نیست. خواندن و نوشتن بدون تکرار شکل نمی‌گیرد. تکلیف می‌تواند باشد، ولی در خود مدرسه و کلاس، پس مسئله‌ی اصلی کیفیت و معنای تکلیف است. در زمان کرونا که کلاس‌ها مجازی بود و والدین هم مستعلمان اجباری، فهمیدیم که در کلاس وقت برای این کارها فراوان است! نسل جدید را نمی‌توان با نوستالژی نسل قبلی آموزش داد. نمی‌توان از نسل جدید انتظار داشت مشکلاتی را حل کند که خود مدرسه به او آموخته است نایدید بگیری! پس بحران، «نسل زد» بودن نیست. نسل زد (که هم موبایل دارد و هم از کودکی امکان مقایسه داشته است!) بیشتر از نسل‌های قبلی این بحران را آشکار کرده است. نسلی که علیه مدرسه اعتراض می‌کند، محصول همان نظامی است که اکنون از آن ناراضی است! نسل زد نمی‌خواهد زندگی را به «پس از مدرسه» موکول کند. و اگر مدرسه این تغییر را نفهمد، دیر یا زود، دانش‌آموز آن را به مدرسه تحمیل خواهد کرد؛ گاهی با ترک تکلیف، گاهی با بی‌اعتنایی و گاهی فرانسوی‌طور!

هر بار که تلویزیون ایران را روشن کنیم، کثیری از کارشناسان هشدار می‌دهند مدارس و نظام آموزشی باید چنین و چنان باشد. بالاتر از همه بهر شهید هیچ‌گاه نه از کتاب‌های درسی، نه از طبقاتی شدن مدارس، نه روش تدریس، نه وضعیت رفاهی معلمان، از هیچ‌یک راضی نبود. ولی نظام تعلیم و تربیت ما پوست نمی‌اندازد!

اگر نسل جدید تحمل تکلیف‌های تکراری را ندارد، اگر دانش‌آموز فرانسوی از کلاس شلوغ و شغل نامطمئن عصبانی است و اگر معلم انگلیسی از نظام بازرسی مضطرب شده، شاید بهتر باشد بیرسیم چه نوع مدرسه‌ای ساخته‌ایم که هم دانش‌آموز، هم معلم و هم مدیر در آن احساس فشار می‌کنند؟ و رهبران و نخبگان و فیلسوفان ناراضی تردا کار دست کیست؟! واقعاً که!

بدنی کودک‌ان به جهالت تنزیم، باید سازو کار اداری مدارس را عوض کنیم. این کار کمترین هزینه‌ها را می‌طلبد. کافی است به سرشت انسان اعتماد کنیم و به‌ویژه در دبستان‌ها ساعات بازی آزاد را افزایش دهیم، به واقع کار ساده‌ای است. صرفاً مدیران و معلمان شجاعی را می‌طلبد که اقدام کنند، بچه‌ها را در خانه می‌بینیم (من خود شاهد عینی‌ام). ساعت‌ها برای گیم، ویدئو، برنامه‌نویسی یا موضوعی که خودش انتخاب کرده وقت می‌گذارد ولی برای رونویسی دو صفحه از کتاب درسی مقاومت می‌کند. این رفتار را زوال میل به یادگیری نمی‌دانم، خوشبینانه می‌گویم ممکن است نشانه‌ی تغییر منبع انگیزش باشد.

در انگلستان بحران در خود دستگاه سنجش مدرسه ظاهر شده است. آفستد، نهاد رسمی بازرسی آموزش در انگلستان، از نوامبر ۲۰۲۵ نظام جدیدی را به اجرا گذاشته که برخلاف گذشته، دیگر یک قضاوت کلی مانند «خوب» یا «عالی» درباره‌ی مدرسه صادر نمی‌کند (دبستان‌های ما تازگی‌ها از نمره‌ی دست برداشتنده و به عالی، خوب، متوسط، رسیدند!). در عوض، مدرسه در شش حوزه‌ی اصلی ارزیابی می‌شود: شمول، برنامه‌ی درسی و تدریس، دستاورد، حضور و رفتار، رشد فردی و بهزیستی، و رهبری و حکمرانی. حفاظت از دانش‌آموزان نیز جداگانه به صورت «برآورده نشده» یا «برآورده نشده» ارزیابی می‌شود. تردبان جدید آفستد پنج پله دارد: «استثنایی»، «استاندارد قوی»، «استاندارد موردانتظار»، «نیازمند توجه» و «بهبود فوری». این نظام در واقع تلاشی برای پیچیده‌تر کردن تصویر مدرسه است. یک مدرسه ممکن است از نظر «هدایت» قوی باشد ولی در «دستاورد» مشکل داشته باشد؛ ممکن است برنامه‌ی درسی خوبی داشته باشد اما در «شمول» ضعیف باشد. آمار اولیه‌ی آفستد نیز دقیقاً همین ناهمگونی را نشان می‌دهد: در بازرس‌های جدید، «رشد فردی و بهزیستی» بیشترین میزان کسب استاندارد مورد انتظار یا بالاتر را داشته، در حالی که «دستاورد» پایین‌ترین میزان را داشته است. ولی همین نظام سنجش با این تناقض روبه‌روست که وقتی مدرسه را از شش جهت اندازه می‌گیریم، آیا واقعاً مدرسه را بهتر فهمیده‌ایم یا فقط ابزارهای بیشتری برای سنجش و فشار بر آن ساخته‌ایم؟

گزارش گاردین می‌گوید اعتراض‌ها به استرس بالای نظام بازرسی و تأثیر آن بر سلامت روان معلمان موجب شده دولت بریتانیا دوباره در این نظام تجدیدنظر کند. در عین حال، قرار است پیشینه‌ی اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان و مدارس در ارزیابی «شمول» بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این تغییر یک پرسش بنیادین را وارد نظام ارزیابی می‌کند که آیا می‌توان مدرسه‌ای را بدون در نظر گرفتن معامع‌ای که در

در موضوع فاجعه‌ی حفطی بودن کتاب‌ها و تکالیف مدارس را نوشته‌ام. حاج‌آقای قرائتی نیز در اجلاس نماز به‌درستی از مسئولان خواست «دانش‌آموز پرشگرم» بار بیاورند، نه انبان اطلاعات غیرمفید. ویلیام بیتس شاعر ایرلندی ختم کلام را گفته است: «آموزش، پرکردن ظرف نیست، پرافروختن آتش است».

اکنون این یک بحران جهانی است که نسل جدید با شیوه‌ی آموزش و مدرسه‌داری دو نسل قبل از خود کنار نمی‌آید؛ بحران رابطه‌ی میان مدرسه و نسلی که دیگر حاضر نیست صرفاً به این دلیل که بزرگسالان چنین خواسته‌اند، قواعد مدرسه را بپذیرد. با این نسل باید چگونه مواجه شد؟

در فرانسه، لوموند گزارش داده است که دانش‌آموزان می‌گویند در کلاس‌های سسی نفره، اساساً رشته‌ای را که در آن تحصیل می‌کنند انتخاب نکرده‌اند. حتی دانش‌آموزی که خود را «دانش‌آموز خوب» معرفی می‌کند، از اضطراب‌هایی فراتر از مدرسه، از آینده‌ی شغلی، هوشواره، تغییرات اقلیمی و آینده‌ی سیاسی کشور سخن می‌گوید؛ باید بنگریم که امروز دانش‌آموز فقط در مدرسه نیست. او در جهانی زندگی می‌کند که هر روز اخبار جنگ، بحران اقتصادی، تغییرات اقلیمی، و ناامنی شغلی را روی تلفن همراهش می‌بیند. سپس وارد کلاس می‌شود و از او خواسته می‌شود جهان را موقتاً فراموش کند و در یک فرمول حساب، یک بیت دشوار از حافظ یا مجموعه‌ای از تکالیف غرق شود. عجیب است که احساس می‌کنم گزارشگر لوموند از فکر و دل فرزندانش مانیز باخبر است! ولی این‌گونه نیست. این فقط یک بحران جهانی است. مدرسه دانش‌آموز را فقط چوتان «کسی که باید درس بخواند» تعریف می‌کند، ولی در عمل با انسانی روبه‌روست که دیگر چنین تعریفی را نمی‌پذیرد!

یک پژوهشگر فلسفه در آغاز مهر نوشت: «اگر می‌خواهیم استقلال، کنجسکاو، ابتکار، تحمل خطا و توانایی تصمیم‌گیری رشد پیدا کنند، باید کمتر به اطاعت محض و انطباق پاداش بدهیم، و اگر نه نباید تعجب کنیم اگر نسل‌های بعدی نیز به سمت همان ویژگی‌های نامطلوب سوق پیدا کنند. مدرسه را می‌توان نوعی محیط انتخاب فرهنگی دانست که هم تقویت‌کننده‌ی مشکلات انسان است و هم می‌تواند با ایجاد تغییراتی در خود، راه را برای حل مشکلات بگشاید. از منظر بوم‌شناسی آموزش و پرورش، پیش از آنکه صرفاً رفتار کودکان را اصلاح کنیم، باید به محیطی نگاه کنیم که این رفتارها را انتخاب می‌کند زیرا گاهی مشکل نه در کودک است و نه در معلم بلکه در چرخه‌ی بازخوردی است که به ما دیکته می‌کند چه چیزی را ارزشمند بدانیم. اگر چشم به اضطراب و افسردگی فرآورده کودکان نبندیم، اگر طبیعت‌هراسی کودکان را کم‌اهمیت نشماریم و خود را در مقابله با ضعف

چه خبر است

در مدارس انگلیس، فرانسه
و ایران؟!

مدارس فرانسه آشوب است. در انگلیس به دلیل «اضطراب معلمان» می‌خواهند نظام بازرسی‌های مدارس را از اساس بازبینی کنند. در ایران خبری نیست. ولی من می‌خواهم نشان دهم نسل جدید به‌راحتی «تعلیم» نسل قبل را نمی‌پذیرد و باید در اساس آموزش بازنگری کرد.

صبح زود که هوا هنوز گرگ‌ومیش است فرزند من که نهمی است پس از نماز صبح نشسته و مشق می‌نویسد و البته شدت شاک و عصبانی، با این عبارات: «معلم اجتماعی و زیست‌شناسی (علوم تجربی) ما تکلیف نمی‌دهند و ما درس را خوب یاد می‌گیریم ولی باقی معلم‌ها تکلیف می‌دهند!» کنارش می‌نشینم و با گوشی خبرها را مرور می‌کنم. تیتراول گاردین این است: «بازرس‌های مدارس انگلیس آبار دیگر از اساس بازنگری می‌شود.» عکس گاردین از آشوب در مدارس فرانسه است. به‌رغم سانسور شدید فرانسه و رسانه‌های غربی و رسانه‌های فارسی‌زبان، می‌دانیم که اعتراض دانش‌آموزان فرانسوی به کمبود معلم، شلوغی کلاس‌ها، ساختمان‌های فرسوده، فشار برنامه درسی و اضطراب آینده است.

فانتزی‌هایی که همان سپیده‌دم به ذهنم می‌رسد از داستان معروف مولانا تا پینک فلوید است! در مثنوی، بچه‌های مکتب‌خانه برای فرار از مدرسه از یک تکنیک القای روانی استفاده و معلم را دچار تب‌ولرز می‌کنند و از کار می‌اندازند! در پینک فلوید، هیچ تمثیلی گویاتر از «آجری دیگر در دیوار» چهل سال پیش او برای فهم مناقشه‌ی امروز مدرسه و نسل جدید نیست! اعتراض به مدرسه‌ای است که می‌خواهد کودکان را یک‌شکل و به «آجرهای» یک دیوار تبدیل کند. دانش‌آموزی که از تکلیف و تکرار و تحفظ و تراکم سر باز می‌زند، ضد «یادگیری» نیست، فقط ممکن است با شیوه‌ای از یادگیری مخالف باشد که فردیت و انتخاب او را نادیده می‌گیرد. آیا مدرسه می‌خواهد انسان تربیت کند یا دانش‌آموز استاندارد؟! آیا مدرسه می‌تواند دیوار را، پیش از آنکه نسل جدید از آن عبور کند، دوباره طراحي کند؟

اروپا ضعیف شده و زیرساخت‌ها از جمله مدارس فرسوده است. انگلیس یک نظام آموزشی را برای بار چندم دارد بازبینی می‌کند. در ایران، بخشی از نسل جدید در برابر تکلیف، مشق شب و الگوی سنتی «درس بخوان چون باید بخوانی» مقاومت می‌کند. من بارها هشدارهای رهبر شهید